



Investigating the Issue of Education in Imposed War (Case Study: An Oral History of the 408th Divers Battalion of Kerman)

Marjan Borhani, Somayyeh Khanipour, Moslem Alimahdi

Assistant Professor Department of History, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

Assistant Professor Iranian Studies Department, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

Director of the oral history research group

Abstract: The eight-year Iran-Iraq war (1980-1988) was an imposed war for Iran, and the country's military forces, having recently experienced a revolution, were still in the process of organizing and growing. To address this challenge, the General Command of Jihad was announced by the founder of the Islamic Republic, leading to the mobilization of the People's Army towards the war fronts, with a remarkable response in a short period. However, the issue of educating these non-military forces, many of whom had no prior knowledge of military equipment, became a significant challenge for the authorities and commanders at the time. This paper, using oral history methods and library resources, attempts to answer whether the mobilized People's Army received the necessary training before entering into operations. To address this issue, considering the large number of units participating in the war, the 408th Battalion of Divers from the 41st Tharallah Division of Kerman has been examined as a case study. The research findings indicate that, throughout the war, most units received the necessary training based on the operational objectives, and in some cases, this training lasted for months.

Key Words: Imposed war, Education, Kerman, Tharallah 41st Division, Battalion 408

بررسی موضوع آموزش در جنگ تحمیلی

(مطالعه موردی: تاریخ شفاهی گردان ۴۰۸ غواص کرمان)

مرجان برهانی^۱، سمیه خانی پور^۲، مسلم علی مهدی^۳

۱- استادیار تاریخ، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۲- استادیار گروه ایران شناسی، دانشکده ایران شناسی، دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران

۳- مدیر گروه پژوهشی تاریخ شفاهی گرا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰

چکیده

در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹ش)، از آنجا که جنگی تحمیلی برای ایران بود و نیروهای نظامی کشور تازه تجربه انقلاب را پشت سر گذاشته بودند و هنوز موفق به سامان‌دهی و رونق خود نشده بودند، ناگزیر برای برون‌رفت از این مشکل، فرمان جهاد همگانی از سوی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی اعلام شد و به تبع آن، بسیج نیروهای مردمی به سوی جبهه‌های جنگ آغازیدن گرفت و در اندک زمانی، با استقبالی شایان توجه مواجه شد؛ ولی آموزش این نیروهای غیرنظامی که بیشتر آن‌ها حتی هیچ آشنایی با ابزار جنگی نداشتند، یکی از چالش‌های پیش رو برای مسئولان وقت و فرماندهان بود. نوشتار حاضر با روش تاریخ شفاهی مبتنی بر انجام مصاحبه و نیز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، سعی در پاسخ به این پرسش اصلی دارد که آیا نیروهای بسیج مردمی در جنگ تحمیلی پیش از ورود به عملیات آموزش‌های لازم را دریافت می‌کردند؟ برای پاسخ به این پرسش و با توجه به تعداد وافر یگان‌های شرکت‌کننده در جنگ، گردان ۴۰۸ غواص لشکر ۴۱ ثارالله کرمان به عنوان نمونه در این پژوهش بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در طول جنگ، بیشتر یگان‌ها با توجه به هدف مدنظر در عملیات آموزش لازم را دریافت می‌کردند و در برخی از موارد، این آموزش گاه ماه‌ها طول می‌کشید.

واژه‌های کلیدی: جنگ تحمیلی، آموزش، کرمان، لشکر ۴۱ ثارالله، گردان ۴۰۸.

مقدمه

آموزش یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی ایجاد و حفظ آمادگی برای دفاعی همه‌جانبه و کامل است که نقش محوری آن بر هیچ سازمان نظامی پوشیده نیست. با تجزیه و تحلیل جنگ‌ها و عملکرد نیروهای مسلح در آن‌ها، به این موضوع پی برده می‌شود که هر جا نیروهای مسلح آموزش-های مورد نیاز را به طور کامل فرا گرفته‌اند و با تمرینات مستمر و لازم آن‌ها را حرفه خود کرده‌اند و از نظر تاکتیک‌های جنگی به سطوحی بالا دست یافته‌اند، توانسته‌اند با به کارگیری آن تاکتیک‌ها، همراه با ایمان و اعتقاد به اهداف تعیین شده در صحنه جنگ، پیروز میدان شوند و دشمن را شکست دهند یا در زمینه بازدارندگی نقش اساسی ایفا کنند (علی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۶).

در انتقال دانش به نیروهای نظامی، سیستم آموزشی نقش اصلی را ایفا می‌کند. سیستمی این توانایی را دارد که بین دانش و مهارت پیوند عمیق ایجاد کند و دانش را در خدمت مهارت قرار دهد. بر همین اساس، امر آموزش در نیروهای مسلح در جایگاهی رفیع است؛ زیرا بالندگی، پیشرفت و آمادگی رزم و تداوم آن ارتباطی مستقیم و هم‌افزا با آموزش دارند (فرهنگ، ۱۴۰۰، ص. ۷۳).

با توجه به مطالب مطرح شده، یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه فرماندهان در هر یگان، حفظ و ارتقای آمادگی رزمی یگان و آموزش حین خدمت با توجه به تنوع مأموریت است. تیپ ۴۱ ثارالله کرمان در طول هشت سال جنگ تحمیلی نیز از این قاعده مستثنی نبود.

در سال ۱۳۶۰، تیپ ۴۱ ثارالله کرمان به فرماندهی قاسم سلیمانی (۲۰ اسفند ۱۳۳۵ - ۱۳ دی ۱۳۹۸) به منظور متمرکز کردن رزمندگان سپاه منطقه شش تشکیل شد؛ اگرچه پیش از تشکیل این تیپ هم رزمندگان استان کرمان به صورت پراکنده در جبهه‌های جنوب و غرب حضور داشتند. آن‌ها در تیرماه ۱۳۶۰ موفق شدند نخستین حضور سازمان‌یافته خود را در جنگ هشت‌ساله رقم بزنند و به فرماندهی غلام‌عباس گلزار در قالب گروهان رزمی صف عازم جبهه شوند و در علیات شهید چمران شرکت کنند. سپس، در شهریور ۱۳۶۰، یک گردان از نیروهای سپاه و بسیج به فرماندهی محمدمهدی

کازرونی وارد آبادان شد. حضور گردان‌های کرمانی در آبادان مشارکت آن‌ها در عملیات ثامن‌الائمه را در پی داشت. همچنین، حضور گروه‌هایی از رزمندگان استان کرمان در خطوط پدافندی دشت آزادگان مقدمه مشارکت آنان در عملیات طریق‌القدس شد (میرزایی، ۱۳۹۵، ص. ۲۴). در نهایت، همان‌طور که اشاره شد، حضور پرننگ کرمانی‌ها در جبهه‌های نبرد به تشکیل تیپ ۴۱ ثارالله منجر شد. در این تیپ که خیلی زود به لشکر ۴۱ موسوم شد، بسیج مردمی یکی از ارکان اصلی نیروی انسانی محسوب می‌شد و موضوع آموزش آن‌ها از چالش‌های اساسی به شمار می‌رفت. تصور عموم و رایج این است که این نیروها بدون هیچ‌گونه آموزشی به عملیات‌های جنگی هدایت می‌شدند و عمدتاً جان خود را به واسطه عدم تبحر در نبرد از دست می‌دادند.

این نوشتار موضوع آموزش در جنگ تحمیلی به صورت موردی: گردان ۴۰۸ غواص کرمان را بررسی کرده است و با استفاده از روایت شفاهی گروهی از رزمندگان این لشکر به پرسش اصلی پژوهش پاسخ داده است و ضمن آن، کیفیت این آموزش‌ها را بررسی کرده است تا از این راه، به تحلیلی هرچند نسبی در امر آموزش دست یازد. همان‌طور که اشاره شد، نمونه مورد بررسی گردان ۴۰۸ سیدالشهدا است: یکی از گردان‌های تشکیل شده ذیل لشکر ۴۱ ثارالله که از آن می‌توان به عنوان دومین گردان غواص استان کرمان یاد کرد. علت این انتخاب نخست، تخصص غواصی این گردان است که در نوع خود با دشواری ویژه‌ای مواجه بوده است و دیگر اینکه، این گردان هم در عملیات‌هایی بزرگ مانند کربلای چهار و هم در عملیات‌هایی لغوشده مانند فاو - البحار شرکت کرده است و می‌تواند مصداقی مناسب برای واکاوی نحوه آموزش در عملیات‌های کوچک و بزرگ باشد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد در برخی از تألیفاتی که با رویکرد تاریخ شفاهی، تاریخ جنگ را بررسی کرده‌اند، به موضوع آموزش اشاره شده است و پیش از بررسی هر عملیاتی، چند سطری به آن اختصاص داده شده است؛ اما باید به این نکته اذعان داشت که پژوهش‌های مستند و موثق در این زمینه هم البته انگشت‌شمار هستند. در زمینه آموزش در جنگ، مقاله‌ای توسط امیر رزاق‌زاده (۱۳۸۹) با حیطه

ص. ۱۳). آنچه از تعاریف بیان شده در بالا استنباط می‌شود این است که به طور کلی، آموزش موجب چهار تغییر عمده می‌شود: الف) انتقال اطلاعات (توسعه دانش)؛ ب) ایجاد نگرش‌ها (توسعه و بهبود نگرش)؛ پ) پرورش مهارت‌ها (توسعه و بهبود مهارت‌ها) و ت) تغییرات مفهومی (علی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۸).

آموزش در سازمان‌های نظامی

اهداف نظام آموزشی نیروهای مسلح:

- تربیت کادر نیروهای مسلح
- ایجاد و افزایش تخصص‌ها و مهارت‌های لازم
- توسعه بینش و شکوفایی استعدادها
- بهبود کیفی توان آموزش دهندگان (فرهنگ، ۱۴۰۰، ص. ۷۷).

بهره‌وری در مراکز آموزشی نظامی

عمده‌ترین شاخص بهره‌وری در مراکز نظامی، به ویژه یگان‌های عملیاتی آموزشی، مبحث رسیدن به «مهارت» است. بحث مهارت را باید هسته اصلی بهره‌وری در آموزش دانست و این امر از دیدگاهی کلی در همه مراکز آموزشی (نظامی و غیرنظامی) قابل تعمیم است. حد نهایی هر آموزشی شامل تخصصی و عمومی (انفرادی و یا یگانی) باید به بروز مهارت در آموزش دیدگان منجر شود. دستیابی به مهارت اصولاً از سه طریق زیر قابل حصول است:

الف) تجربه^۱

ب) آموزش^۲

پ) تمرین^۳ (علی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۳).

این نوشتار درصدد است تا بر اساس مباحث مطرح شده، موضوع پژوهش را بررسی و تجزیه و تحلیل کند تا به فهم موضوع آموزش در جنگ تحمیلی با مطالعه موردی: گردان ۴۰۸ غواص کرمان دست یابد.

موضوعی مشابه تحت عنوان «آموزش نظامی در جنگ عراق علیه ایران» نوشته شده است که در آن، ضمن بررسی چارچوب‌های نظری آموزش، مصادیقی از آن را بیان شده‌اند؛ هرچند مصادیق بسیار کلی هستند و پژوهشگر می‌توانسته است با نگاهی ریزبینانه‌تر اطلاعات را ارائه کند و دیگر اینکه، آنچه در این مقاله به عنوان مصداق آموزش آمده است حاصل بررسی منابع کتابخانه‌ای است؛ حال آنکه پژوهشگر می‌توانست با روش تاریخ شفاهی به مصادیقی بیشتر و موثق‌تر دست یابد. ویژگی متمایز پژوهش پیش رو نسبت به سایر کارهای انجام‌شده این است که پژوهشگر ضمن مصاحبه با تعدادی از رزمندگان، تلاش کرده است تصویری دقیق‌تر از کیفیت آموزش‌ها در جنگ را به دست دهد. این پژوهش با نگاه به هر دو قالب نظری و کاربردی، در پی آن است تا موضوع آموزش در جنگ ایران و عراق را در چارچوبی تحلیلی بررسی کند و به همین دلیل، حائز اهمیت است.

مبانی نظری

مفهوم‌شناسی آموزش

کلمه آموزش معادل واژه انگلیسی Instruction یا Teaching است. این دو واژه در انگلیسی به معنای آموزش، تعلیم و تدریس آمده‌اند (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴). دهخدا آموزش را اسم مصدر از واژه آموختن می‌داند و از آن معانی‌ای همچون تعلیم دادن، عمل آموختن، راهنمایی و یاد دادن را استخراج کرده است (دهخدا، ۱۳۶۳، صص. ۷۹۹-۲/۸۰۰). سیف نیز دو تعریف برای آموزش ارائه داده است: نخست اینکه، آموزش عبارت از فعالیت‌هایی است که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده توسط آموزگار یا معلم طرح‌ریزی می‌شوند؛ به طوری که بین وی و یادگیرنده‌ها کنشی متقابل جریان می‌یابد و دیگر اینکه، آموزش به هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی‌شده‌ای گفته می‌شود که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۳۹۳، صص. ۱۴-۱۵). رحیمی آموزش را به معنای انتقال معلومات و مهارت‌ها به دیگران می‌داند؛ به گونه‌ای که موجب تحول و دگرگونی در رفتار شوند (رحیمی، ۱۳۸۰،

¹ Experiment

² Training

³ Practice

آموزش نظامی در جنگ تحمیلی

با بیان تعاریف و مفهوم‌شناسی آموزش، باید اذعان داشت در دین اسلام، یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌هایی که در باب نظام دفاعی و جهادی اسلام متوجه حکومت اسلامی است و از اهمیتی ویژه برخوردار است موضوع آموزش‌های مختلف نظامی است. پیامبر اسلام، در آن عصر که جنگ‌ها بیشتر بر اساس توانمندی‌های فردی انجام می‌شدند، توجهی ویژه را به امر تعلیمات نظامی مبذول می‌داشتند و در منابع مختلف اسلامی برخی از این توجهات نقل شده‌اند. در روایات اسلامی، مسلمانان به فراگیری هر گونه مهارتی تشویق شده‌اند که در راه جهاد و مقابله با دشمن به کار می‌آید؛ برای مثال، تیراندازی، شمشیر زنی و... در منابع فقهی آمده است که هر چیزی که در جهاد با دشمن به مسلمانان جنگ‌جو کمک کند، مطلوب آن است که آموخته شود؛ از این رو، مسئولیت حکومت اسلامی ایجاب می‌کند که مجاهدان را بر اساس پیشرفته‌ترین تعلیمات زمان تعلیم دهد و پیشرفته‌ترین سلاح‌های متداول و مشروع زمان را فراهم آورد. همه مفسران و فقها چنین برداشتی از این آیه دارند: «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (سوره انفال، آیه ۶۰، یعنی هر چه می‌توانید از نیرو و سازویرگ (نظامی) و اسب‌های بسته‌شده (برای جنگ) آماده سازید، (تا) به این وسیله دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید (اعرابی، ۱۳۹۰، ص. ۴۱۱)

در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق نیز موضوع آموزش از اهمیتی بسیار زیاد برخوردار بود و استفاده مناسب از نیروی انسانی ضامن موفقیت نیروی نظامی ایران در این جنگ محسوب می‌شد؛ بنابراین، در پی فرمان رهبر فقید انقلاب، تعدادی زیاد از گروه‌های مردمی به سوی جبهه‌های نبرد شتافتند و آموزش نظامی این گروه‌ها دغدغه متولیان امر شد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که خود به نوعی مولود بسیج مردمی بود، مأموریت آموزش و سازمان‌دهی نیروها را عهده‌دار شد و در فاصله زمانی بسیار کوتاهی توانست با برنامه‌ریزی دقیق حضور کلاسیک این نیروها را در جبهه‌های نبرد به دنبال داشته باشد؛ به طوری که نیروهای داوطلب بسیج در ترکیب اصلی نیروهای عمل‌کننده در دفاع قرار گرفتند

(منصوری لاریجانی و شیرزادی، ۱۳۸۳، صص. ۱۹۱-۱۹۲). در رابطه با کیفیت آموزش‌ها چند نکته حائز اهمیت است: در وهله نخست، آموزش مناسب از حیث کمی و کیفی باید مبتنی بر عمل و منطبق با واقعیت‌ها می‌بود و در شرایط مختلف به مرحله اجرا در می‌آمد. دیگر اینکه، بهره‌مندی از آموزش صحیح باعث اعتماد به نفس، سرعت عمل و استفاده صحیح و مؤثر از سلاح و تجهیزات می‌شد. نیز، عدم آموزش نظامی موجب استفاده ناصحیح از امکانات و جنگ‌افزارها، ترس، دستپاچگی و تضعیف روحیه مقاومت در برابر دشمن می‌شد و در نهایت، شکست را به دنبال داشت (کیانی، ۱۳۸۵، ص. ۳۲۱).

بررسی‌ها نشان می‌دهد، در جنگ هشت‌ساله، آموزش‌ها در دو مرحله عمومی و تخصصی ارائه می‌شدند. پس از فراخوانی، کلیه رزمندگان دوره آموزش عمومی را می‌گذراندند. با توجه به اهمیت اصل رعایت حفاظت اطلاعات عملیات، نیروها مجبور بودند کلیه فنون نظامی و روش کار در جنگ‌های مختلف را بیاموزند تا از نوع آموزش‌ها مشخص نشود عملیات آینده در چه منطقه‌ای و موقعیتی خواهد بود؛ بنابراین، در این مرحله آموزش شامل رزم انفرادی، راه‌پیمایی، تأمین مناطق عملیاتی، عملیات آفندی و پدافندی بود. فرماندهان و یگان‌های عمل‌کننده ارتش و سپاه حساسیتی ویژه نسبت به آموزش کیفی نیروهایشان نشان می‌دادند. مطابقت محل آموزش با منطقه عملیات، نوع و سطح آن و همچنین، مربیان آموزشی همواره مورد توجه ویژه فرماندهان یگان‌های حاضر در عملیات بود (رزاقزاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۵). آموزش‌های تخصصی ویژه و پیچیده‌تر بودند و در واحدهای تخصصی ارائه می‌شدند. تشکیل گردان‌های زرهی و همچنین، سایر واحدهای دیگر در سازمان رزم ایجاب می‌کرد به افراد آموزش‌های لازم داده شود. با توجه به اینکه عمده عملیات‌های ایران در قالب عملیات‌های آبی - خاکی بودند، آموزش‌ها نیز در محلی ویژه که دارای وضعیتی مشابه منطقه اصلی عملیات باشد، ارائه می‌شدند. این فشرده‌گی در روزهای اول آموزش پس از یکی دو روز رmq را از نیروها می‌گرفت و آن‌ها را دچار خستگی مفرط می‌کرد. کلیه واحدها نیازمند آموزش‌دهی به

۱۳۶۵ تا روزهای پایانی آذرماه - یعنی حدود هشت ماه - گردان برای شرکت در این عملیات تحت آموزش‌های سخت قرار گرفت و در هر مرحله از آموزش‌ها، منطقه آموزشی تغییر می‌کرد و در نتیجه، کار بر رزمندگان دشوارتر می‌نمود. در ادامه، روند این آموزش‌ها بررسی شده است.

سدّ دز

گردان تازه تأسیس ۴۰۸ سیدالشهدا در روز یکشنبه هفتم اردیبهشت ۱۳۶۵ به قصد شروع آموزش‌های لازم به ضلع شمال غربی سدّ دز منتقل شد و در پادگان سفینه‌النجات اقامت گزید. این پادگان زیر نظر قرارگاه نوح سپاه اداره می‌شد؛ اما در بخشی از آن، ساختمانی که از دوره پهلوی به جا مانده بود، در دست نیروی هوایی ارتش قرار داشت. مریانی که وظیفه آموزش این گروه تازه‌وارد و سایر گردان‌هایی که برای آموزش به این پادگان وارد می‌شدند را به عهده داشتند، عمدتاً از نیروهای سپاهی شمال کشور بودند (مظفر نمازیان، ۱۳۹۸/۹/۳). پس از انتخاب محل استقرار گردان، رزمندگان ۴۰۸ وارد پادگان شدند و در کنار سایر رزمندگان که بیشتر از لشکر ۲۷ رسول‌الله بودند و نیز گروهی از رزمندگان شیرازی که البته جزء هسته ستاد پادگان سفینه‌النجات بودند، امر آموزش را آغاز کردند. به واسطه تفاوت‌هایی که در میان این گروه‌های مختلف وجود داشت، نحوه عملکرد رزمندگان هم متفاوت بود. برای نمونه، می‌توان به این نقل قول اشاره کرد: «بچه‌های ستاد پادگان سفینه‌النجات اهل شیراز بودند. بسیار هم مقرراتی و منظم بودند؛ اما ما و بچه‌های حضرت رسول خیلی اهل این چیزها نبودیم.» (علی خیراندیش، ۱۳۹۸/۱۲/۲۷). از آنجا که گردان ۴۰۸ به منظور عملیات‌های آبی تشکیل شده بود، می‌بایست رزمندگان گردان همگی به شنا کردن و غواصی در شرایط ویژه مسلط باشند. برای این منظور، آموزش‌های گردان تازه تأسیس حول این محور آغاز شدند. در کنار این دو وظیفه، رزمندگان می‌بایست آمادگی جسمانی خود را نیز حفظ می‌کردند تا توان آن‌ها در شرایط سخت به تحلیل نرود (محمد عسکری، ۱۳۹۸/۹/۱۸). گردان ۴۰۸ در این مقطع از آموزش سه مری بهره‌مند شد (باقدردت، ۱۳۹۹/۲/۱۶). روز در پادگان سفینه‌النجات ماند و پس از

نیروهای خود بودند؛ اما، در این میان، برای برخی موضوع آموزش از حساسیتی بیشتر برخوردار بود. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آموزش‌ها که بیش از همه نیروها را تحت فشار قرار می‌داد، آموزش غواصی بود. در جریان عملیات‌های آبی - خاکی جنوب، در برخی از یگان‌ها، از ۵ تا ۶ ماه قبل از عملیات، این نوع آموزش آغاز می‌شد و در دو سه ماه باقی‌مانده به عملیات، آنچنان اوج می‌گرفت که در طول روز، نیروها اوقاتی زیاد را در آب به سر می‌بردند و در وضعیت‌های مختلف جریان آب رودخانه مانور می‌دادند (همان، صص. ۱۰۵-۱۱۰)؛ از همین رو، به واسطه اهمیت غواصی در عملیات‌های آبی - خاکی، در ادامه تلاش شده است مصادیقی از نحوه آموزش غواصان ارائه شوند تا از این طریق، موضوع آموزش و کیفیت آن واکاوی شود.

آموزش؛ بررسی مصادیق

گردان ۴۰۸ غواص کرمان

گردان ۴۰۸ خط‌شکن سیدالشهدا در سال ۱۳۶۵ زیر نظر لشکر ۴۱ ثارالله کرمان تأسیس شد و رسالت اصلی‌اش را که همان اهتمام در امر غواصی و آماده شدن برای نبردهای خاکی - آبی بود، وجهه همت خود قرار داد؛ بنابراین، آنچه در گام نخست ضروری می‌نمود، پیگیری موضوع آموزش غواصی به رزمندگان بود که با قطعیت یافتن سازمان گردان، رسیدگی به این مهم آغاز شد. گردان نام‌برده در عملیات‌هایی مهم همچون کربلای چهار و پنج، بیت‌المقدس هفت، عملیات لغوشده فاو - البحار و نیز عملیات پایانی جنگ، مرصاد، شرکت کرد. بررسی روایت‌های شفاهی نشان می‌دهد در همه این عملیات‌ها، به فراخور زمان و منطقه عملیات و نیز اهمیت آن، آموزش در رأس کار گردان قرار می‌گرفت (میرزایی، ۱۳۹۵، صص. ۱۱۲-۱۵۴).

عملیات کربلای چهار

در این عملیات که در نوع خود از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین عملیات‌های ایران علیه عراق بود، گردان تحت بررسی نیز حضور داشت؛ بنابراین، بلافاصله پس از تأسیس، آموزش گردان آغاز شد. از نخستین روزهای اردیبهشت سال

در برنامه آموزش ایجاد کند. ماجرا از این قرار بود که تا پیش از این، هر آنچه رزمندگان گردان از شنا، رزم، حمل سلاح در آب، غواصی و... فرا گرفته بودند، در آب راکد، شیرین و سنگین سدّ دز بود؛ در حالی که در عمل، عملیات‌های آبی در شرایطی متفاوت تر انجام می‌شدند؛ یعنی آب جریان‌دار! به همین دلیل، فرماندهان، رودخانه کارون، آن هم در منطقه دارخوین (روستایی در ۴۴ کیلومتری آبادان) را برای ادامه آموزش انتخاب کردند و به این ترتیب، دوران آموزش حوزه سدّ دز به پایان رسید (علی عسکری، ۱۳۹۸/۹/۱۷).

- دارخوین

دارخوین، در روز چهارشنبه چهاردهم خرداد ۱۳۶۵، نخستین جایی بود که در آن، کرمانی‌های ۴۰۸ تجربه غواصی در آب جریان‌دار و شبیه منطقه عملیاتی را تجربه کردند؛ تجربه‌ای که کاملاً متفاوت از قبل بود و از این رو، مدتی طول کشید تا رزمندگان توانستند خود را با شرایط واقعی تر غواصی در آب رودخانه تطبیق دهند (همان). در آنجا، رزمندگان بیشتر اوقات تمرین‌های خود را هنگام شب انجام می‌دادند؛ «آنجا در آب کارون که جریان‌دار بود، شبانه تمرین می‌کردیم. یک شب در میان از آب عبور می‌کردیم. آن طرف آب چند فانوس گذاشته بودند که وقتی از آب عبور می‌کنیم به آن‌ها برسیم. سه فانوس با فاصله حدوداً ۵۰ تا ۱۰۰ متر گذاشته بودند. جریان آب ما را به سمت پایین می‌برد. شب اول فانوس سوم را هم رد کردیم و به ساحل رسیدیم تا اینکه در شب‌های بعد توانستیم خودمان را در محل فانوس‌ها از آب بیرون بیاوریم» (رستمی، ۱۳۹۹/۲/۲۰) و هنوز ۴ روز از حضور رزمندگان نگذشته بود که اعلام اتمام آموزش در این مکان داده شد و در روز شنبه هفدهم خردادماه ۱۳۶۵، حضور گردان در دارخوین به پایان رسید و گردان به قرارگاه لشکر بازگشت. رزمنده‌های گردان ۴۰۸ تا دوشنبه ۱۹ خرداد در قرارگاه حضور داشتند و سپس، با لشکر تسویه حساب کردند و راهی دوره استراحتی شدند که سه ماه و بیست روز طول کشید (محمد عسکری، ۱۳۹۹/۹/۱۸)؛ اما این بازگشت و دوران استراحت برای رزمندگان به معنای فاصله گرفتن از هدفشان نبود، بلکه آن‌ها از این دوره

آن، به واسطه ورود نیروهای جدید به پادگان، قرار شد گردان پس از آن، آموزش‌ها را خود به طور مستقل در پیش گیرد. به این ترتیب، پرونده دوران آموزشی گردان در پادگان سفینه‌النجات در تاریخ ۴ خرداد ماه ۱۳۶۵ بسته شد.

- تپه‌های دو قلو

از آنجا که گردان کماکان به تکمیل آموزش‌های آبی نیازمند بود، می‌بایست محل جدید استقرار گردان در همان منطقه سدّ دز باشد تا بتوان از این محل برای تمرین غواصی استفاده کرد؛ بنابراین، با فاصله‌ای کم از پادگان، بالای دو تپه، محل اقامت گردان برپا شد؛ «روی تپه‌ای بلند رفتیم. راه ناهموار و سخت بود. بچه‌ها به زحمت چادرها و وسایل‌شان را بالا بردند. مستقر شدند. برای کارهای ضروری و شخصی باید پایین می‌آمدیم. امور مربوط به گردان هم پایین انجام می‌شد. به این ترتیب، روزی چند بار باید از تپه پایین می‌آمدیم و بالا می‌رفتیم. تدارکات گردان و تانکرهای آب پایین تپه بودند. این کار، پایین و بالا شدن، روزهای اول بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود و با یک بار بالا رفتن و پایین آمدن نفس‌مان می‌برید؛ اما کم‌کم عادت کردیم و با شرایط جدید خو گرفتیم. بعد از گذشت چند روز تپه‌نوردی، حالا دیگر از تپه پایین آمدن به قصد غواصی در آب سدّ دز و از تپه بالا رفتن به مقصد چادرها برایمان تفریح شده بود.» (خاکپور، به نقل از مجموعه خاطرات چاپ‌نشده). تسلط بر غواصی، نظم و هماهنگی در عبور ستونی از آب، رعایت سکوت کامل هنگام غواصی، شلیک و رزم در آب و خروج بی‌سروصدا از آن، موضع‌گیری پشت سنگرهای فرضی دشمن، حرکت در گل‌ولای و حمله و پاک‌سازی سنگرها از نکات اصلی این آموزش بودند. هرچند سختی‌های این راه در این برهه گاهی برخی از رزمندگان را خسته می‌کرد و از جدیت آن‌ها می‌کاست، کادر فرماندهی اجازه این سستی را نمی‌داد و خواستار پیگیری مجدانه‌تر تمرین‌ها می‌شد. روحیه اطاعت‌پذیری رزمندگان اجرای دقیق فرامین و آموزش‌ها را تضمین می‌کرد (خاکستانی، ۱۳۹۹/۲/۳۱). گردان ۴۰۸ کرمانی‌ها ۹ روز از آموزش خود را در تپه‌های اطراف سدّ دز گذراند تا اینکه کادر فرماندهی تصمیم گرفت تغییری اساسی

بیرون می‌آمدیم بدن و پوست بچه‌ها نمک می‌بست. می‌بایست چند کاسه آب روی بدن می‌ریختیم تا بتوانیم استراحت کنیم» (قاضی‌زاده، ۱۳۹۹/۲/۲۳). به منظور تمرین و قرار گرفتن در زیر آب، گردان غواص ۴۰۸ در این برهه زمانی به اشوگل^۱ مجهز شد (محمد عسکری، ۱۳۹۸/۹/۱۸).

- ارونند

با گذشت یک هفته از آموزش رزمندگان در بهمن شیر، فرماندهان به تغییر محل آموزش تصمیم گرفتند و این بار قرعه به نام ارونند افتاد؛ همان رودی که قرار بود عملیات پیش رو در آن انجام شود و البته این موضوعی بود که فرماندهان از آن اطلاع داشتند و آگاهانه دست به انتخاب این مکان زده بودند؛ از همین رو، مدتی که گردان در چوئبده مستقر بود، برخی از رزمندگان به ارونند می‌رفتند، در آنجا تمرین می‌کردند و سپس باز می‌گشتند. درباره زمان انتقال نیروها از بهمن شیر به ارونند، با تکیه بر دست‌نوشته‌های دو تن از رزمندگان، احتمالاً گروهان دوم در روز نوزدهم و گروهان اول در روز بیستم به ارونند منتقل شده است. به هر ترتیب، از روزی که گردان به روستای چوئبده آمد (۱۳۶۵/۸/۱۱) تا روزی که روستا را به طور کامل به مقصد ارونند کنار ترک کرد (۱۳۶۵/۸/۲۰)، حدود ۱۰ روز طول کشید. ارونند، نسبت به بهمن شیر، جریان آبی بسیار قوی‌تر داشت. فاصله‌ای که رزمندگان می‌بایست از ساحل خودی تا ساحل دشمن فرضی طی می‌کردند، نیز به مراتب بیشتر بود. هوا هم کماکان سرد و استخوان‌سوز و گل‌ولای ساحل رودخانه هم شبیه گل‌ولای بهمن شیر بود. هرچند شوری آب در ارونند کمی ملایم‌تر شده بود، در مجموع، نیروهای گردان ۴۰۸ سختی بیشتری را در دروان آموزش ارونند تجربه کردند؛ «سختی بیشتری را در ارونند تحمل می‌کردیم. روزی چند بار باید مسیر ارونند را طی می‌کردیم. زمانی که آن طرف ارونند می‌رسیدیم مثل دستمالی که آب کِش کرده باشند می‌شدیم. برخی مواقع برگشت هم خودمان می‌آمدیم و وقتی برمی‌گشتیم پاهایمان

مرخصی به عنوان فرصتی برای تثبیت آنچه آموزش دیده بودند، استفاده کردند و در استخر تربیت بدنی کرمان زیر نظر یکی از مربیان باتجربه آموزش را از سر گرفتند (مخدومی، ۱۳۹۸/۷/۶).

با به پایان رسیدن تابستان ۱۳۶۵، دوران مرخصی رزمندگان گردان ۴۰۸ نیز رو به پایان نهاد. افراد باتجربه حدسیاتی مبنی بر نزدیک شدن به زمان عملیات داشتند و این به معنی مرحله‌ی جدیدی از آموزش‌های فشرده‌ی گردان بود. آنچه که پیش از این بر رزمندگان گذشته بود، بیشتر جنبه‌ی مقدماتی داشت و در واقع فقط حضور کوتاه آنها در دارخوین زمینه‌ای برای شرکت در عملیات بود که آن هم به هیچ وجه کافی نبود و بایستی فصلی تازه از آموزش‌ها آغاز می‌گردید.

- بهمن شیر

پس از آموزش‌های سدّ دز و دارخوین، فرماندهان گردان، بنا بر تجربه، محل جدید آموزش‌ها را رودخانه بهمن شیر انتخاب کردند. روستای خالی از سکنه چوئبده مکانی دقیق بود که برای اقامت گردان ۴۰۸ سیدالشهدای غواص انتخاب شده بود (پورمژدگانی، ۱۳۹۹/۲/۴). در آنجا، آموزش‌هایی به مراتب سخت‌تر ارائه شدند که تجربه لمس شرایطی واقعی‌تر از جنگ را برای رزمندگان گردان فراهم کردند. جریان آب و جزر و مد آن بی‌شبهات به منطقه عملیاتی نبود و باتلاق‌های اطراف و گل چسبنده حاشیه بهمن شیر اگرچه رزمندگان را در خود فرو نمی‌برد، عضلات پای آنها را به شدت برای عملیات آماده می‌کرد (قاسمی پورافشار، ۱۳۶۵، صص. ۱۲-۱۳). رزمندگان از تلخی و شوری آب بهمن شیر بسیار سخن به میان آورده‌اند و به گفته خودشان: «...در چوئبده تازه می‌فهمیدیم جنگ چیست...» (میرزایی، ۱۳۹۹/۲/۱۳). ساحل بهمن شیر نیز شرایطی چالش‌برانگیز را برای رزمندگان ایجاد کرده بود؛ «ساحل بهمن شیر گل خیلی چسبناکی داشت. بعضی وقت‌ها بچه‌ها در گل گیر می‌کردند که مجبور می‌شدیم با چند نفر یا به کمک قایق بچه‌ها را بیرون بکشیم!» (اسدی، ۱۳۹۹/۲/۲۹). شدت شوری آب به اندازه‌ای بود که «از آب رودخانه بهمن شیر که

^۱ لوله هوایی است که غواص‌ها هنگام جنگ در دهان خود می‌گذاشتند و از کنار گوششان به اندازه ۲۰ سانتی‌متر از سطح آب بیرون بود و به واسطه آن تنفس می‌کردند.

۸۳-۸۴).

در تاریخ ۲۸ آبان ماه ۱۳۶۵، آموزش‌ها به طور موقت پایان یافتند و فرماندهان تصمیم گرفتند گردان را برای استراحت و تجدید قوا به مرخصی بفرستند. رزمندگان به قرارگاه منتقل شدند و پس از سپری کردن زمان تقریبی ۲۴ ساعت در اهواز، در ۲۹ آبان ۱۳۶۵، هر کدام از رزمندگان به سمت شهر خود راهی شدند (همان، صص. ۹۰-۹۲). دوران مرخصی یازده‌روزه گردان خیلی زود پایان یافت و زمان بازگشت فرا رسید. بیشتر رزمندگان موفق شدند خود را تا یازدهم آذر ماه ۱۳۶۵ به قرارگاه لشکر ۴۱ ثارالله در اهواز برسانند (همان، صص. ۹۳).

- آموزش‌های پایانی

با وجود اینکه زمانی زیاد تا آغاز عملیات باقی نمانده بود، کماکان برنامه‌ی تمرینی فشرده‌ای برای رزمندگان غواص در نظر گرفته شده بود. این بار سوز سرمای آذرماه مهمان تن و بدن آن‌ها بود، آن هم با شدتی که گاه هوش از سر آن‌ها می‌برد؛ اما در هر صورت، تحمل شرایطی چنین دشوار لازمه‌ی کسب آخرین آمادگی برای شرکت در عملیات بود؛ «نمی‌دانم چگونه سردی هوا و آب را بیان کنم؛ اما از سرمایی که خودم تحمل می‌کردم همین بس که وقتی تا کمر در آب فرو رفتم آب سرد داخل لباس‌ها رفت و یک آن جلو چشمانم تار شد و تعادلم را از دست دادم» (همان، صص. ۱۱۴-۱۱۵). سرمای هوا در این مرحله از تمرین نیروها چنان طاقت‌فرسا بود که هنگام تمرین صدای برخورد دندان رزمندگان از لوله‌های اشنوگل به گوش می‌رسید (خیامی، ۱۳۹۸/۱۲/۲۴). آخرین مرحله‌ی آموزش گردان ۴۰۸ فقط دو ساعت طول کشید و رزمندگان به ساحل برگشتند؛ در حالی که از شدت خستگی و سرما رمقی برای آن‌ها باقی نمانده بود. تا پیش از آغاز عملیات، گردان‌های غواص، از جمله گردان ۴۰۸ کرمانی‌ها، مانورهایی را انجام دادند تا به عنوان آخرین تمرین رزمندگان، آمادگی آن‌ها مشاهده شود و اشکالات برطرف شوند. در بیست و چهارمین روز از آذرماه، گردان ۴۰۸ مانور تمرینی را انجام داد. در این مانور، گردان ۴۰۸ پیش از سایر گردان‌های غواص وارد آب شد و به سلامت عبور کرد و موفق شد موجبات رضایت فرماندهان به ویژه فرمانده‌ی لشکر

ناخودآگاه حرکت می‌کرد و پارو می‌زد...» (خوشرو، ۱۳۹۷/۵/۷). شدت سرما به اندازه‌ای بود که بعد از اتمام آموزش، رزمندگان دیگر حتی قادر به بیرون آوردن لباس‌های غواصی هم نبودند و برای این کار از یکدیگر کمک می‌گرفتند (میرزایی، ۱۳۹۹/۲/۱۳). در طول مدت اقامت در اروند، رزمندگان تجربه‌هایی خطرناک را نیز پشت سر گذاشتند. در یکی از مانورها که از اروند عبور کرده بودند، در مسیر بازگشت، زمان جزر آب فرا رسیده بود. شدت جزر به حدی بود که رزمندگان را تا ۱/۵ کیلومتر به سمت خلیج می‌کشاند. حتی برخی از فرماندهان نگران شده بودند که غواصان به پل بزرگ اروند - فاو برسند و در لوله‌های پل خفه شوند؛ اما این ماجرا ختم به خیر شد و غواصان گردان هرچند به سختی اما همگی خود را به محل استقرار گردان در اروندکنار رساندند (قاسمی پورافشار، ۱۳۶۵، صص. ۵۹). با وجود خطراتی از این دست، رزمندگان در طول مدت آموزش بارها و بارها مسیر غواصی را طی می‌کردند و بازمی‌گشتند؛ «به کنار اروند در حال سینه‌خیز آمدم و فین‌ها را که لب آب گذارده بودیم برداشتم و برای پانزدهمین بار از اروند عبور کردیم» (همان، صص. ۸۰) مسیری که رزمندگان باید سپری می‌کردند تا از عرض اروند بگذرند و به ساحل فاو برسند، مسافتی حدود یک کیلومتر بود و در طول مدت اقامتشان در ساحل اروند، بنا به گفته‌های مختلف، بیش از ۱۵ تا ۲۰ بار این مسیر را پیمودند! «رفتیم اروند نهر بلامه و در رود اروند غواصی می‌کردیم. یادم است ۲۰ بار از اروند عبور کردیم. حدوداً ساعت ۱۰ تقریباً در مد قرار می‌گرفتم. در فاصله‌ای که مد ثابت می‌شد می‌رفتیم جزیره فاو. عرض اروند یک کیلومتر بود. ساعت ۱۰ شب وارد آب می‌شدیم. به حالت آموزشی و مانوری خودمان را به جزیره فاو می‌رساندیم. چند دقیقه‌ای را در ساحل فاو بودیم و مجدداً برمی‌گشتیم» (سجادی، ۱۳۹۸/۵/۱). در نهایت، دوران آموزش در اروند نیز پس از گذشت ده روز به پایان رسید و غروب روز سه شنبه ۲۷ آبان‌ماه، گردان ۴۰۸ غواص کرمان که رزمندگان دیگر در این زمان تجربه‌ی غواصی‌های مکرری را پشت سر گذاشته بودند، از اروند به محل سابق خود در چوئنده بازگشتند (قاسمی پورافشار، ۱۳۶۵، صص.

افرادی که تابستان کرمان را با آموزش در استخر تربیت بدنی به پایان رسانده بودند، اکنون می‌بایست این آموزش‌ها در سدّ دز ادامه می‌دادند (شجاعت‌الحسینی، ۱۳۹۹/۳/۱۴). نوع آموزش‌ها مشخص‌کننده منطقه عملیاتی بود. برخی از رزمندگان به تجربه فهمیده بودند احتمالاً در عملیات پیش رو نباید غواصی کنند؛ در غیر این صورت، شرایطی مشابه عملیات کربلای پنجم را پیش رو خواهند داشت؛ «کار خیلی جدی دنبال می‌شد و یک شب در میان در آب بودیم. هر وعده که در آب می‌رفتیم حداقل ۵-۶ ساعت طول می‌کشید. به ما می‌گفتند باید جایی برویم که زمین خشک نیست و آب زیاد هم نیست. زمین گل است» (مسعود نمازیان، ۱۳۹۹/۱/۱۷). آموزش‌های سدّ دز تا اواخر آذرماه ۱۳۶۶ ادامه داشت تا اینکه فرماندهان تصمیم گرفتند پس از حدود سه ماه گردان را به منطقه‌ای جدید برای آموزش ببرند؛ «در شهریورماه ۱۳۶۶ برای آموزش‌های غواصی به سدّ دز اعزام شدیم. از شهریور ۶۶ تا حدود آذرماه ۶۶ در سدّ دز بودیم که حدود سه ماه طول کشید» (شجاعت‌الحسینی، ۱۳۹۹/۳/۱۴).

- کانال سلمان

سدّ دز قرارگاهی آموزشی بود که معمولاً رزمندگان با نزدیک شدن به عملیات آن را ترک می‌کردند و راهی منطقه آموزشی جدیدی می‌شدند که به منطقه عملیاتی بیشتر شباهت داشته باشد. همان‌طور که در آبان و آذر ۱۳۶۵ رودخانه بهمن شیر و اروند نقطه نهایی حضور رزمندگان برای رسیدن به کربلای چهارم بود، این بار کانال سلمان در دی‌ماه ۱۳۶۶ پذیرای رزمندگانی شد که خود را برای عملیات پیش رو مهیا می‌کردند. کانال سلمان، در واقع، کانالی بود که به صورت مصنوعی برای مقابله با نفوذ دشمن به زمین خودی ایجاد شده بود. از جمله دلایل انتخاب این منطقه برای آموزش پیش از عملیات این بود که در این منطقه ماکتی با اندازه‌های واقعی محل عملیات ساخته شده بود؛ به گونه‌ای که رزمندگان می‌توانستند در این مکان شبیه‌سازی شده تمرین کنند و با منطقه عملیات به طور کامل آشنا شوند. ماکت به قدری با جزئیات طراحی شده بود که حتی سنگرها و خاکریزهای دشمن نیز در آن تعبیه شده بودند تا هنگام

را کسب کند (قاسمی پورافشار، ۱۳۶۵، صص. ۱۵۴-۱۵۵) و برای شرکت در عملیات آمادگی خود را به طور کامل اعلام کند و راهی کربلای چهارم شود.

عملیات کربلای چهارم موفقیتی چندان را برای ایرانی‌ها به دنبال نداشت و به دلایلی که از جمله آن‌ها لو رفتن عملیات بود، نیروی نظامی ایران ناگزیر به عملیات خاتمه داد. از آنجا که یگان‌های شرکت‌کننده بسیار به شکل‌گیری عملیاتی جدید برای جبران کربلای چهارم متمایل بودند، تصمیم فرماندهی بر این منوال قرار گرفت و کربلای پنجم رقم خورد. در این عملیات، فرصتی برای آموزش فراهم نشد و نیروها بلافاصله به منطقه عملیاتی روانه شدند و کربلای پنجم را با موفقیت به پایان رساندند. از گردان ۴۰۸ غواص سیدالشهدا پس از عملیات کربلای پنجم، حدود ۲۰ نفر نیرو باقی مانده بود! ۲۵ تن از رزمندگان طی این عملیات به شهادت رسیدند و ۲۰ نفر باقی‌مانده در حال دست‌وپنجه نرم کردن با جراحات‌های اهدایی جنگ بودند.^۱ با وجود کم بودن نیروی گردان، آموزش‌های لازم از سرگرفته شدند تا در صورت شکل‌گیری عملیات جدید، رزمندگان از آمادگی کافی برخوردار باشند. تا زمانی که نیروها در کرمان حضور داشتند و هنوز به منطقه عملیاتی فراخوانده نشده بودند، تربیت بدنی کرمان کماکان پذیرای رزمندگان غواص بود (خاکپور، به نقل از مجموعه خاطرات چاپ‌نشده). با فرا رسیدن روزهای پایانی تابستان، زمزمه‌هایی مبنی بر اعزام نیروها به منطقه شایع شد و گردان ۴۰۸ سیدالشهدا می‌رفت تا یک بار دیگر راهی منطقه شود.

عملیات لغوشده فاو - البحار

- سدّ دز

^۱ گفتنی است، گردان ۴۰۸ غواص در عملیات کربلای چهارم با ۱۵۰ رزمنده وارد عملیات شد که نیمی از آن‌ها در این عملیات به شهادت رسیدند یا دچار جراحات شدند؛ بنابراین، گردان با استعداد ۷۴ نفر وارد عملیات کربلای پنجم شد. با وجود اینکه مطابق ضوابط، گردان‌ها عمدتاً با استعداد ۳۰۰ نفره تشکیل می‌شدند، این ضابطه در ارتباط با گردان‌های غواص معمولاً رعایت نمی‌شد؛ کما اینکه گردان ۴۰۸ با نیمی از این تعداد تشکیل و وارد عملیات شد. ظاهراً، در بحث آموزش و پرورش غواص، کیفیت مهم‌تر از کمیت بوده است (شفیعی، ۱۳۸۴، ص. ۱۸۵).

دز بود. رزمندگان در این مدت با وجود اینکه هنوز زمزمه‌ای از آغاز عملیات جدید به گوش نمی‌رسید، همچنان مشغول آموزش غواصی و تمرین در آب بودند.

عملیات بیت‌المقدس هفت

پس از عملیات والفجر ۱۰، جنگ وارد مرحله‌ای جدید شد. عراق که به طرزی بی‌سابقه تقویت شده بود، با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و تجهیزات وسیع و پیشرفته صحنه جنگ را نفع خود تغییر داد و در حالی که یگان‌های رزمی ایران در جبهه شمالی مستقر بودند، در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷، با هجوم غافلگیرانه و متکی به سلاح‌های شیمیایی، منطقه فاو را بازپس گرفت و در ۴ خرداد ۱۳۶۷ نیز منطقه شلمچه را از تصرف قوای ایران خارج کرد. چند روز بعد، در حالی که ارتش عراق آماده می‌شد تا به جزایر مجنون حمله کند، عملیات بیت‌المقدس هفت طراحی و در ۲۲ خرداد ۱۳۶۷ به‌موقع اجرا شد. هدف از این عملیات انهدام قوای دشمن در شلمچه بود تا موازنه جنگ دوباره به نفع خودی تغییر کند. نیروهای نظامی ایران در این عملیات موفق شدند به ۱۷ تیپ ارتش عراق آسیب وارد کنند؛ هرچند این آسیب‌دیدگی نتوانست مانع ادامه تهاجمات آن روزهای ارتش عراق شود (میرزایی، ۱۳۹۵، صص. ۱۴۸-۱۵۰).

- سدّ دز

همان‌طور که اشاره شد، اگرچه خبری از عملیات جدید نبود، رزمندگان کماکان روند آموزش را متوقف نکردند. گروهی از رزمندگان گردان به پادگان سفینه‌النجات رفتند و آنجا به طور تخصصی‌تر آموزش غواصی را آغاز کردند؛ غواصی اسکوبا یا غواصی در عمق (بابایی پور، ۱۳۹۹/۱/۲۷). عده‌ای نیز برای آموزش‌های تخصصی‌تر عازم تهران شدند (سیف‌الدینی، ۱۳۹۸/۱۲/۲۶). کار آموزش‌ها تا پایان سال ۶۶ و اوایل سال ۶۷ همچنان ادامه داشت (علی خیراندیش، ۱۳۹۸/۱۲/۲۷). پس از سقوط شلمچه، به تدریج زمزمه‌های آغاز عملیاتی جدید به گوش رسید و همین امر گردان را واداشت تا به طوری جدی‌تر آموزش‌ها را از سر بگیرد و برای عملیات احتمالی پیش رو آماده شود؛ «آموزش‌ها نسبت به گذشته شدیدتر و سختگیرانه‌تر بود. حدود ۲۰ روز صبح

عملیات، منطقه جنگ برای رزمندگان شناخته شده باشد (علی خیراندیش، ۱۳۹۸/۱۲/۲۷). منطقه‌ای که کانال سلمان در آن قرار داشت از آب جریان‌دار برخوردار نبود؛ ارتفاع آب کم بود و به حدود یک متر می‌رسید (ایرانمنش، ۱۳۹۸/۹/۱۶). هرچند به لحاظ مکانی آموزش‌های رزمندگان نسبت به سال گذشته تغییر کرده بودند، هوا و سردی آن مانند گذشته استخوان‌سوز و غیرقابل تحمل می‌نمود؛ به همین دلیل، رزمندگان گردان به کانال سلمان، کانال سرما نیز می‌گفتند! «به کانال سلمان رفتیم. به آنجا کانال سرما می‌گفتیم بس که هوا و آب سرد بود. وقتی وارد آب می‌شدیم نفس‌ها بند می‌آمد. عمق آب نیم متر بیشتر نمی‌شد. چهار دست و پا در آب می‌رفتیم.» (اسدالله‌زاده، ۱۳۹۹/۱/۲۳). تمرین در آب کانال سلمان سختی متفاوتی داشت. در گذشته، غواصان هرچند در آب سرد رودخانه تمرین می‌کردند، به واسطه اینکه بدنشان به طور کامل زیر آب می‌رفت، پس از مدتی لباس غواصی با آبی که در خود جمع می‌کرد، دمای بدن غواصان را حفظ می‌کرد؛ اما در آب کم‌عمق کانال سلمان، بدن غواصان بیرون از آب بود و با وزش هر باد سرما را به وجودشان می‌دمید (ایرانمنش، ۱۳۹۸/۹/۱۶). برنامه آموزش معمولاً از این قرار بود که غواصان هر شب ساعت یازده تا حوالی اذان صبح را در آب مشغول تمرین بودند. بعدازظهرها نیز از ساعت سه وارد آب می‌شدند و تا هنگام غروب در آنجا تمرین می‌کردند و این روند فشرده هر روز تکرار می‌شد (اسدالله‌زاده، ۱۳۹۹/۱/۲۳). این مقطع از آموزش گردان تا پایان دی‌ماه طول کشید. در نهایت، با اتمام شرایط سخت آموزش در کانال سلمان، گردان به منطقه عملیاتی رهسپار شد؛ «یک روز سوار کامیون‌ها شدیم و بعد از نصف روز که گرداندند دوباره به کانال سلمان برگردانند. تعجب کردیم. بعد از چند روز دوباره سوار کامیون‌ها شدیم و این دفعه به منطقه عملیات در فاو برده شدیم» (حسن‌زاده، ۱۳۹۹/۳/۲۲).

عملیات فاو - البحار که بنا به برخی از گفته‌ها، از همان اول هم چندان جدی گرفته نشده بود، لغو شد و یگان‌ها بدون هیچ درگیری بازگشتند. با لغو عملیات در دی‌ماه ۱۳۶۶، تعدادی از رزمندگان گردان ۴۰۸ به کرمان عزیمت کردند و برخی از آن‌ها در منطقه باقی ماندند. محل استقرار گردان سدّ

می شد مکانی برای آموزش انتخاب شود که به منطقه عملیاتی بیشتر شباهت داشته باشد.

- در برخی از عملیات‌ها، گاه امر آموزش ماه‌ها طول می کشید.

- آموزش‌ها به صورت مرحله‌ای انجام می شدند؛ برای مثال، یک غواص زمانی می توانست در سدّ دز غواصی کند که در شنای استخری متبحر شده بود و نیز زمانی در آب رودخانه‌های جریان‌دار قرار می گرفت که مدتی در آب رودخانه‌های راکد غواصی کرده باشد. البته بدیهی است، این قاعده‌ای عمومی است و استثنائاتی نیز در این زمینه وجود دارند.

- یافته‌های پژوهش نشان می دهد آموزش گردان ۴۰۸ غواص بر اساس اهداف نظام آموزشی نیروهای مسلح، یعنی تربیت، ایجاد و افزایش تخصص‌ها و مهارت‌های لازم، توسعه بینش و شکوفایی استعدادها و بهبود کیفی توان آموزش دهندگان از سه طریق آموزش، تمرین و تجربه انجام شده است.

منابع

- اسدی، سیدرضا (۱۳۹۹/۲/۲۹). مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.
- اسدالله زاده، محمد (۱۳۹۹/۱/۲۳). مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.
- ایرانمنش، سید اسدالله (۱۳۹۸/۹/۱۶). مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.
- بابایی پور، محمدعلی (۱۳۹۹/۱/۲۷). مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.
- باقدرت، عبدالله (۱۳۹۹/۲/۱۶). مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.
- پورمژدگانی، احمد (۱۳۹۹/۳/۴). مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.
- حسن زاده، علی (۱۳۹۹/۳/۲۲). مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.
- حسینی سعدی، محمد (۱۳۹۸/۵/۱۶). مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.

داخل آب بودیم. عصر تمرین در خشکی داشتیم و شب هم داخل آب بودیم» (قاسمی، ۱۳۹۹/۱/۲۸). گفته شده است، پس از چندی، آموزش رزمی و حمل اسلحه نیز به آموزش‌های غواصی اضافه شدند (حسینی سعدی، ۱۳۹۸/۵/۱۶). گفته‌ها حاکی از آن است که گل ولای سدّ دز در این بازه زمانی به قدری زیاد بود که گاه هنگام تمرین، رزمندگان در آن گیر می کردند و فرو می رفتند (محمد خیراندیش، ۱۳۹۸/۱۲/۲۸).

- کانال سلمان

پس از مدتی که رزمندگان در سدّ دز آموزش‌های لازم را دریافت کردند، به کانال سلمان منتقل شدند؛ همان جایی که پیش از عملیات فاو-البحار برای تمرین رفته بودند؛ از این رو، به واسطه آشنایی با منطقه، تمرین در آنجا می توانست به آن‌ها در عملیات پیش رو کمک کند. آموزش‌ها در کانال سلمان عمدتاً بر شلیک آرپی جی متمرکز شده بودند. این بار در کانال سلمان خبری از شبیه‌سازی منطقه عملیات نبود؛ ولی تمرین در همین مکان نیز در آماده‌سازی گردان تأثیر بسیار داشت (قاسمی، ۱۳۹۹/۱/۲۸). در نهایت، پس از سپری کردن دوره تمرینی کانال سلمان، گردان ۴۰۸ در عملیات بیت‌المقدس ۷ شرکت کرد و به واسطه همین آموزش‌های مداوم موفق شد به اهداف خود دست یابد.

نتیجه گیری

ضمن بررسی مصادیق مورد بررسی در حوزه آموزش گردان ۴۰۸ غواص، می توان به نتایج زیر دست یافت:

- آموزش از ارکان اساسی در جنگ تحمیلی است و اهمیاتی ویژه نسبت به آن شده است.

- رزمندگان شرکت کننده در جنگ دوره آموزش عمومی را هم در ابتدای ورود به منطقه و هم در طول آموزش‌های تخصصی طی می کردند.

- رزمندگان با توجه به گردانی که در آن سازمان‌دهی می شدند، آموزش تخصصی را آغاز و در حیطه‌ای مشخص، تبحر لازم را کسب می کردند.

- در هر عملیاتی، با توجه به منطقه عملیات، نوع آموزش‌ها و مکان آموزش‌دهی متفاوت بود و معمولاً سعی

- مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله.
 اعرابی، غلامحسین (۱۳۹۰). *نظام دفاعی از نگاه قرآن و مذهب فقهی اهل سنت*. تهران: صریر خرداد.
 خاکپور، حسین. (بی تا). *مجموعه خاطرات چاپ نشده*.
 دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳). *لغت نامه (جلد ۲)*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
 رحیمی، غلامعلی (۱۳۸۰). *آموزش و بهسازی نیروی انسانی در نظام تعلیم و تربیت*. تهران: زهد.
 سیف، علی اکبر (۱۳۹۳). *روانشناسی پرورشی نوین*. تهران: دوران.
 شفیعی، حمید (۱۳۸۴). *زندادان جرعه‌نوش (مجموعه خاطرات رزمنده سلحشور حاج حمید شفیعی)*. تدوین: محمد دانشی. قم: سماء قلم.
 شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴). *فرهنگ علوم رفتاری*. تهران: امیرکبیر.
 قاسمی پور افشار، علیرضا (۱۳۶۵). *مجموعه خاطرات چاپ نشده*.
 کیانی، سورنا (۱۳۸۵). *شمشیر پیروزی*. تهران: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران.
 منصوری لاریجانی، اسماعیل، و شیرزادی، رضا (۱۳۸۳). *بررسی جنگ‌های پانصد سال اخیر ایران و مقایسه با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران*. تهران: عروج نور.
 میرزایی، عباس (۱۳۹۵). *اطلس لشکر ۴۱ ثارالله در هشت سال دفاع مقدس*. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
 رزاقزاده، امیر (۱۳۸۹). *آموزش نظامی در جنگ عراق علیه ایران*. نشریه نگین ایران، (۳۴).
 علی نژاد، پیمان (۱۳۹۵). *بررسی مؤلفه‌های اثربخشی اجرای آموزش یگانی در یگان‌های نیروهای مسلح و ارائه الگوی بهینه*. *فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)*، ۱۵ (۸).
 فرهنگ، سجاد (۱۴۰۰). *تعیین ابعاد و مؤلفه‌های کیفیت در آموزش حین خدمت در ارتش ج.ا. ایران*. *فصلنامه مطالعات علوم مدیریت دریایی*، ۲ (۳).
 خاکستانی، حمید. (۱۳۹۹/۲/۳۱). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 خوشرو، سیدحسین (۱۳۹۷/۵/۷). *مصاحبه کننده: حسین شهاب‌الدینی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 خیامی، محسن (۱۳۹۸/۱۲/۲۴). *مصاحبه تلفنی: مسلم علی مهدی*.
 خیراندیش، علی (۱۳۹۸/۱۲/۲۷). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 خیراندیش، محمد (۱۳۹۸/۱۲/۲۸). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 رستمی، علیرضا (۱۳۹۹/۲/۲۰). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 سجادی، احمد (۱۳۹۸/۵/۱). *مصاحبه کننده: کرامت افشار جهانشاهی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 سیف‌الدینی، محمد جعفر (۱۳۹۸/۱۲/۲۶). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 شجاع‌الحسینی، سید علی (۱۳۹۹/۳/۱۴). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 عسکری، علی (۱۳۹۸/۹/۱۷). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 عسکری، محمد (۱۳۹۸/۹/۱۸). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 قاسمی، محمد (۱۳۹۹/۱/۲۵). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 قاضی‌زاده، قاسم (۱۳۹۹/۲/۲۳). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 مخدومی، مجید (۱۳۹۸/۷/۶). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 میرزایی، حسین (۱۳۹۹/۲/۱۳). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 نمازیان، مسعود (۱۳۹۹/۱/۱۷). *مصاحبه کننده: مسلم علی مهدی. کرمان: مؤسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله*.
 نمازیان، مظفر (۱۳۹۸/۹/۳). *مصاحبه کننده: مسلم علی*